

## بان کی مون بازیچه دست دلارهای نفتی شد

صفحه ۲

پنجشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۹۵ | ۱۰ رمضان ۱۴۲۷ | ۱۶ ژوئن ۲۰۱۶ | سال هشتم | شماره ۱۹۰۹ | ۱۶ صفحه | ۱۰۰ تومان

# وطن امروز

## حال جامعه خوب نیست

صفحه ۱۲

دکتر قانع‌ی‌راد، رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران در گفت‌وگو با «وطن امروز»:



### یادداشت امروز

## شتلی از این قمار کلان

امیر استکی

می‌فرماید که «ان خیر الامور اوسطها». تقریباً همه با این گزاره موافقیم بویژه ریاست محترم جمهور، اعتدال و میانه‌روی و راست‌گویی و شفافیت مفاهیم بسیار زیبایی هستند فقط می‌ماند اینکه چقدر خوب به آنها عمل کنیم. می‌گفتیم میانه‌روی در همه چیز خوب است حتی در دریافت حقوق و مزایا. وقتی حداقل حقوق به زحمت به یک میلیون می‌رسد آن وقت میانه‌روی و اعتدال در پرداخت حقوق با هیچ حسابی نمی‌شود چیزی بیش از ۵۰ میلیون. یعنی حقوق یک ماه آن آقای مدیر می‌شود به عبارتی ۵۰ برابر حقوق یک کارگر، کمی بیشتر از ۴ سال در دنیا اما هستند بعضی‌ها که حقوق‌های سالانه میلیون دلاری دریافت می‌کنند. اینها مدیران ارشد شرکتهای بزرگ خارجی هستند که از قبل توانایی و عرضه‌شان شرکتهای مذکور سودهای سالانه کلان می‌برند و خوب حق هم دارند که چنین رقم‌هایی دریافت کنند. این را گفتیم که متوجه باشید کار و فکر بعضی آدم‌ها بسیار ارزشمند است و نمی‌شود به بهانه نزدیکی سطح دستمزدها، همه آنها را به کم قانع کرد. البته این سیستم مخصوص شرکتهای خصوصی و بازار آزاد است و مدیران دولتی در تقریباً هیچ جایی از دنیا - احتمالاً جز ایران خودمان - چنین دریافتی‌هایی ندارند. بازار آزاد البته آزاد است که هر طور که دلش می‌خواهد بزل و بخشش کند ولی دولت - آن هم دولت جمهوری اسلامی ایران - مجاز نیست از کیسه مردمی که درآمد سرانه سالانه‌شان نزدیک ۵۵۰۰ دلار است (به نرخ دلار ۳۵۰۰ تومانی می‌شود ماهانه حدود یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان) چنین بزل و بخشش‌هایی بکند آن هم به مدیرانی که نه براساس قابلیت و توانایی و بهره‌وری بلکه براساس چیزهای دیگری انتخاب می‌شوند. به قول مرحوم جلال آل احمد «شتلی از این قمار کلان».

۲۳ سال پیش در میان گپ‌وگفت‌های دوستانه درباره درآمد و چشم‌داشت‌های‌مان، هر کسی رقمی را به عنوان برنامه‌اش برای درآمد ماهانه در انتهای سال بیان کرد. من هم درآمد ماهانه ۲۰ میلیون را اعلام کردم و دوستان چقدر به من خندیدند و دستم انداختند و حالا می‌فهمم که حق داشتند. در آوردن این پول‌ها در میان جامعه و از راه کسب و کار، کار ساده‌ای نیست و درآمد بسیار بالایی تلاش و پشتکار می‌خواهد اما همین ارقام را می‌شود در سیستم دولتی با کسب پارامترهایی، آسان به‌دست آورد. البته بحث چگونگی کسب آن پارامترها از عهده این چند خط خارج است و به صلاح هم نیست که درباره بعضی چیزها زیاد کنکاش کرد، چرا که امکان دارد اعتماد مردم را خدشه‌دار کند. این درخواست رئیس‌جمهور است که پای این حقوق‌های چند ده میلیونی نشوید تا به اعتماد مردم لطمه نزنید. ما هم قول می‌دهیم اگر آن آقایان استعفا کنند یا توسط دولت کنار گذاشته شوند دیگر بی این مساله را نگیریم ولی وقتی فقط یک عذرخواهی خشک و خالی تمام و آکنش دولت به این مساله است و مابقی اقدامات (اگر انجام شوند) مسکوت هستند از ما و مردم چه انتظاری خواهیم داشت. این اعتراضات کافذی را هم اگر نکنیم آن وقت در برابر وجدان‌مان چه اعتدال چندان ارج و منزلتی ندارد. نگارنده بر آن است که نه رأی مردم تهران به لیست امید ربطی به توسعه سیاسی دارد (چه طبق نظریات کلاسیک توسعه و چه غیر آن) و نه جناح «علی‌الظاهر مدافع توسعه سیاسی»، کشور را به سمت توسعه سیاسی برده یا می‌برد.

عملکرد جناح مورد اشاره در جهت نظری بی‌مایه و شعاری و در جهت عملی ذوقی و عندالاقضایی است. کم‌اینکه هوادار توسعه سیاسی نمی‌تواند مدافع احساس ضعف ملی یا بحران اقتصادی باشد: «در شرایط احساس ضعف ملی در مقابل کشورهای دیگر و همچنین در شرایط بحران اقتصادی، اندیشه رقابت سیاسی جاذبه خود را از دست می‌دهد.» (بشیریه: ۱۳۸۲، ص ۶۰۰).

پژوهشگر فلسفه و جامعه‌شناسی

روحانی: اگر در گوشه‌ای چند نفر حقوق بالاتری را برداشت کردند، آن را تبدیل به مسأله ملی نکنیم

# حقوق دان!



مدیر عامل بانک رفاه و صاحب فیش حقوقی جنجالی در گفت‌وگو با روزنامه دولت طلبکار شد

ماجرای فیش‌های نجومی به وزارت بهداشت هم رسید

سخنگوی جمعیت ایثارگران: رئیس‌جمهور و وزرا حقوق‌های خود را اعلام کنند

صفحات ۲ و ۳

عکس: فرج‌صدیقی/ایرنا

## توسعه کدام سیاست؟

محمد علی بیگی\*

سیاسی مستمر و مسالمت‌آمیز، درون‌نهادی سیاسی مستقر، برای این شاخه نیز جناح موسوم به اصلاحات-کارگزاران-اعتدال برنامه ویژه‌ای تدارک دیده است. شرکت مستمر در رقابت سیاسی مستلزم پایداری‌هایی است که بویژه در انتخابات ۸۸ زیر پا گذاشته شد. البته افراد شاخص این جریان هرگز علناً از آن عملکرد غیرمسالمت‌آمیز و غیررقابتی‌ها آبراز شیمایی یا آن را محکوم نمی‌کنند. که این البته با توسعه سیاسی مورد ادعا، به هیچوجه سازگار نیست - بلکه صرف وجود مشارکت سیاسی متضمن وجود رقابت سیاسی نیست.» (ن.ک بشیریه: ۱۳۸۲، ص ۵۸۳)

بی‌سامانی علایق و منافع، البته صرفاً ویژگی سردمداران این جناح نیست. هواداران نیز علایق یا منافع بسامانی ندارند. جالب آنجاست که توقع سردمداران این جریان از هواداران نیز آن است که چنین باشند و چشم بسته و به «بسته مورد نظر سردمداران» رأی دهند! اما این جناح از شاخه دوم که در نهایت منجر به حل مسالمت‌آمیز اختلافات می‌شود نیز نمره قابل قبولی نمی‌آورد. چنانکه نوشته‌اند: تعارضات اجتماعی به چندقطبی شدن جوامع سیاسی اجتماعی منتهی می‌شود. بازرقابت و مشارکت مسالمت‌آمیز در سیاست می‌شود. (بشیریه: ۱۳۸۲، ص ۵۹۴) اما این جناح به واسطه همین تعارضات اجتماعی است که خود را در صحنه رقابت انتخاباتی نگه می‌دارد. اوج این مساله یعنی دامن‌زدن به شکاف‌های اجتماعی هم در انتخابات ۸۸ صورت گرفت. در بحث از توسعه سیاسی، بازی برد-باخت کامل را پاره کردن قلب جامعه (بشیریه: ۱۳۸۲، ص ۵۹۴) دانسته‌اند و نوشته‌اند: «برخی گروه‌ها و ایدئولوژی‌های حاکمه، سیاست را امری خصمانه تلقی می‌کنند و رابطه بین گروه‌های سیاسی را رابطه برد و باخت مطلق به شمار می‌آورند. این چندپارگی‌های اجتماعی منافع عمده‌ای بر سر راه توسعه سیاسی به شمار می‌رود.» (بشیریه: ۱۳۸۲، ص ۵۹۸) با این حساب آیا جناح مذکور، در جهت توسعه سیاسی گام برمی‌دارد و رأی آوردن آن، نشانه توسعه سیاسی است؟ لاف‌ذیل ۲ شاخصه‌ای که تاکنون برشمریم، چنین به نظر نمی‌رسد، بلکه حتی باید اضافه کرد جهت این جناح، خلاف توسعه سیاسی است تا جایی که انتخابات هفتم اسفند در تهران، حول این تاکتیک کلی بود: «به اینها رأی بدهیم تا آنها رأی نیاورند.» و به همین ترتیب بود که رأی دادن «به تمام افراد هر دو فهرست» موجه می‌نمود.

اما شاخصه سوم، یعنی مجال مشارکت و رقابت

۱- گروه‌ها و نیروهای اجتماعی گوناگون، بتوانند به علایق و منافع خود از نظر سیاسی سازمان بدهند. ۲- حکومت براساس نهادهای درون ساختار خود بتوانند به تلفیق علایق و منافع گوناگون بپردازد. همچنین برای حل اختلافات، روش‌های مسالمت‌آمیزی پدید آمده باشد؛ از جمله، برای دست به دست شدن قدرت سیاسی در بین گروه‌ها و نیروهای گوناگون. ۳- درون نهادهای سیاسی مستقر، مجال مشارکت و رقابت سیاسی مستمر و مسالمت‌آمیز وجود داشته باشد. ۴- مجموعه ساختارها و فرآیندهایی که در موارد قبل ذکر شد، مشروع و قانونی باشد. (بشیریه: ۱۳۸۲، ص ۵۸۲)

اگر طبق شاخصه اول، توسعه سیاسی منوط به سازمان یافتن علایق و منافع سیاسی باشد، جناح مختلط اصلاحات-کارگزاران-اعتدال، شاید بی‌سر و سامان‌ترین وضع ممکن را داشته باشد. پس از آنکه مدت‌ها جناب عارف را با ماجرای مجلس مشغول کردند، سرآخر ایشان را از رقابت با آقای لاریجانی منع و او را فردی بی‌عرضه و با عملکردی خنثی توصیف کردند. جالب آن است که پس از رأی نیاوردن عارف، تنها ایشان آماج حملات قرار نداشت بلکه تمام کسانی که طبق قول و قرار اولیه لیست امید، به ایشان رأی ندادند نیز از موج توهین‌ها بی‌نصیب نبودند. از مصادیق دیگر این بی‌سامانی آن بود که آقای کوابکبان خود را در انتخابات هیأت رئیسه دائم کاندیدا کرد و بانمک‌تر آنکه هنگام شروع رأی‌گیری هم اعلام انصراف کرد با این ترتیب، گویا جناح مدعی توسعه‌یافتگی سیاسی، از نخستین شاخصه توسعه سیاسی نمره قابل قبولی نمی‌آورد و هنوز علایق و منافع خود را سازمان ندهاده است. این نقیصه چنانکه پیداست از نبود ایدئولوژی سیاسی نشأت می‌گیرد. چنانکه قبلاً نیز نوشته بودم، در سردمداران این جناح، توجه به منافع کوتاه‌مدت شخصی غلبه دارد و به عبارت دیگر ایشان در «وضع ذوقی/Aesthetic» به سر می‌برند و اصطلاحات مربوط به علوم انسانی را نیز متناسب با ذوق خود استعمال می‌کنند. این البته مؤید آن است که این جناح از خلأ یک ایدئولوژی سیاسی بسامان رنج می‌برد و به دلیل این فقدان، رقابتش

پس از اعلام نتایج اولیه انتخابات هفتم اسفندماه، یکی از سخنگویان جناح مختلط «اصلاحات-کارگزاران-اعتدال» با ابراز شغف از رأی آوردن لیست امید در تهران، این برد را به شاخصه توسعه سیاسی تهران مربوط دانست و مدعی شد شاخصه توسعه سیاسی در تهران صددرصد، در مراکز استان‌ها ۵۰ درصد و در شهرستان‌ها ۳۰ درصد است.

وی رأی‌آوری لیست امید در تهران را «انتخاب بسته‌های سیاسی» و «رها کردن شناخت شخصی از کاندیداها» دانست و ابراز امیدواری کرد به جای بررسی کاندیداها مردم پس از این، بیش از پیش، به «بسته‌های سیاسی» رأی بدهند. البته این امیدواری عالیجنابان دوام چندانی نیاورد و پس از انتخابات ریاست مجلس شورای اسلامی، مشخص شد گویا پیش از این مشخص نبوده افراد لیست‌ها چه کسانی هستند و چه گرایش‌هایی دارند. به بیان دیگر، نه‌تنها انتخاب کور بسته‌های سیاسی را برای مردم تجویز فرموده بودند، بلکه خود نیز گویا انتخاب بسامانی نداشته‌اند. پس با تعویض موضع خود، باز محدودیت‌های قانونی و رد صلاحیت‌ها را بهانه قرار داده‌اند با پدران به هیأت رئیسه مجلس توصیه می‌کنند با طرح‌های مطالبه‌ای، نمایندگان راه‌یافته را نسبت به مسائل خرد و کلان آگاه کنند یا آنکه تقصیر این وضع را به گردن نافرمانی و حرف‌ناشنوئی آقای عارف بیندازند، چرا که ایشان از عقلای جریان روشنفکری دینی تبعیت نکرده‌اند.

اما این مسائل را در چه چارچوب تئوریکی می‌توان ریخت و چگونه می‌توان تحلیل کرد؟ چنانکه گفته‌اند زبان و گفتمان سیاسی را نمی‌توان خارج از متن کرد؛ راهی که در آن شکل می‌گیرند دریافت، زبان و گفتمان فعالیتی است که براساس آن شیوه زندگی سیاسی و اجتماعی خاصی در جهان بیان و محقق می‌شود. (بشیریه: ۱۳۸۲، ص ۶۰۱) لذا برای فهم نحوه تحلیل ایشان و نحوه سیاست‌ورزی ایشان و سایر کسانی که رأی آوردن لیست امید را به «شکاف تمدنی» یا «صددرصدی شدن شاخصه توسعه سیاسی در تهران» مربوط می‌دانند، تحلیل این اقوال و عملکردها، ذیل نظریه کلاسیک توسعه، لازم است تا شأن این مدعیات مشخص شود. نوشتن توسعه توسعه سیاسی وقتی حاصل می‌شود که:

### روزنه



پس از اعلام نتایج اولیه انتخابات هفتم اسفندماه، یکی از سخنگویان جناح مختلط «اصلاحات-کارگزاران-اعتدال» با ابراز شغف از رأی آوردن لیست امید در تهران، این برد را به شاخصه توسعه سیاسی تهران مربوط دانست و مدعی شد شاخصه توسعه سیاسی در تهران صددرصد، در مراکز استان‌ها ۵۰ درصد و در شهرستان‌ها ۳۰ درصد است.

وی رأی‌آوری لیست امید در تهران را «انتخاب بسته‌های سیاسی» و «رها کردن شناخت شخصی از کاندیداها» دانست و ابراز امیدواری کرد به جای بررسی کاندیداها مردم پس از این، بیش از پیش، به «بسته‌های سیاسی» رأی بدهند. البته این امیدواری عالیجنابان دوام چندانی نیاورد و پس از انتخابات ریاست مجلس شورای اسلامی، مشخص شد گویا پیش از این مشخص نبوده افراد لیست‌ها چه کسانی هستند و چه گرایش‌هایی دارند. به بیان دیگر، نه‌تنها انتخاب کور بسته‌های سیاسی را برای مردم تجویز فرموده بودند، بلکه خود نیز گویا انتخاب بسامانی نداشته‌اند. پس با تعویض موضع خود، باز محدودیت‌های قانونی و رد صلاحیت‌ها را بهانه قرار داده‌اند با پدران به هیأت رئیسه مجلس توصیه می‌کنند با طرح‌های مطالبه‌ای، نمایندگان راه‌یافته را نسبت به مسائل خرد و کلان آگاه کنند یا آنکه تقصیر این وضع را به گردن نافرمانی و حرف‌ناشنوئی آقای عارف بیندازند، چرا که ایشان از عقلای جریان روشنفکری دینی تبعیت نکرده‌اند.

اما این مسائل را در چه چارچوب تئوریکی می‌توان ریخت و چگونه می‌توان تحلیل کرد؟ چنانکه گفته‌اند زبان و گفتمان سیاسی را نمی‌توان خارج از متن کرد؛ راهی که در آن شکل می‌گیرند دریافت، زبان و گفتمان فعالیتی است که براساس آن شیوه زندگی سیاسی و اجتماعی خاصی در جهان بیان و محقق می‌شود. (بشیریه: ۱۳۸۲، ص ۶۰۱) لذا برای فهم نحوه تحلیل ایشان و نحوه سیاست‌ورزی ایشان و سایر کسانی که رأی آوردن لیست امید را به «شکاف تمدنی» یا «صددرصدی شدن شاخصه توسعه سیاسی در تهران» مربوط می‌دانند، تحلیل این اقوال و عملکردها، ذیل نظریه کلاسیک توسعه، لازم است تا شأن این مدعیات مشخص شود. نوشتن توسعه توسعه سیاسی وقتی حاصل می‌شود که:

### نگاه

## ترک عادت موجب سلامتی است!

دکتر ندا ملکی\*

ترک عادت موجب سلامتی است؛ شاید در وهله نخست این تعبیر شوکت‌آور بر سر عادت و ملکه از هم متفاوت هستند، در تربیت شده است باشد، زیرا گفته‌اند: «ترک عادت، موجب مرض است»، اما این گزاره نامأنوس نشان‌دهنده بیرون آمدن از تلقین‌ها و چارچوب‌های از پیش تعیین شده‌ای است که بدون تفکر و تعقل از آن پیروی می‌شود. البته عادت و ملکه از هم متفاوت هستند، در تربیت فعال، عادت مانع آگاهی و رشد ولی ملکه عامل پایداری، ثبات و تداوم فضایل اخلاقی است. در ملکه شدن استمرار نیت وجود دارد ولی در عادت صرف چنین هوشیاری‌ای وجود ندارد (اثرات پنهان تربیت آسپیزا، کریمی، ص ۶۸).

گاهی از سنخ اینگونه عادت‌ها در برخی محیط‌های تربیتی که از جمله آنها مسجد هست نیز مشاهده می‌شود. به عنوان مثال ساختن شخصیتی انعطاف‌ناپذیر و منفعل از امام جماعت مسجد یا سایر کسانی که به امور فرهنگی در مساجد می‌پردازند که ممکن است در سایه این انفعال ظرفیت مخاطب کودک را نشانسانند عادت اشتباهی است که با سیره پیامبر گرمی اسلام صلی الله علیه و آله و الهام بیت مکرم ایشان علیهم‌السلام مطابقت ندارد.

در میان ویژگی‌های کودکان، بازی و جست‌وجوی از ظرفیت‌های طبیعی و بازرشی است که می‌تواند میان او و مرسی خلاق و هنرمند پیوند صمیمانه و محکمی ایجاد کند. بازی کودک در راستای شکوفایی استعدادهای او و موجب رشد و تعالی شخصیت انسان است. فردی که در کودکی، خود را به وسیله بازی ارضا نکرده باشد، در بزرگسالی رفتارهای کودکانه از او سر می‌زند. «کودک‌کفتی» از ناهنجاری‌هایی است که برخی افراد در سنین جوانی و بزرگسالی به آن مبتلا هستند. امام موسی کاظم علیه‌السلام می‌فرمایند: «مسئمتجب است فرزند در کودکی به بازی و جست‌وجوی بپردازد تا در بزرگسالی حلیم شود». سپس فرمودند: «جز این کار، سرازوار نیست» (بحار الانوار، ج ۶، ص ۳۶۱) به این معنا که انسان در کودکی باید روحیه سنجیده‌جویی، جنگجویی، ترس‌ها و تردیدهایی خود را با بازی ارضا کند تا در بزرگسالی حلیم (صبوراً) باشد. بنابراین کودک با توجه به مقتضیات سن خویش نیاز به بازی دارد و...

ادامه در صفحه ۵